

درس دهم**(جنگ های جهانی دوم و جهان پس از آن)****(جهان در فاصله دو جنگ)**

یکم: در فاصله دو جنگ مسائل و مشکلاتی بروز کرد که زمینه را برای جنگ دوم جهانی فراهم آورد این مسائل و مشکلات عبارت بودند از

۱: صلح ناپایدار-ناخشنودی از معاهدات پس از جنگ جهانی اول به خصوص معاهده ورسای-ضعف جامعه ملل-بحران اقتصاد جهانی+ظهور حکومت های خودکامه تک حزبی
دوم

صلح ناپایدار

۲: معاهدات صلح با کشورهای شکست خورده به ویژه عهدنامه صلح ورسای با آلمان بسیاری از دولت ها را ناراضی کرد. آلمان انعقاد قرارداد ورسای را تحقیر آمیز ناعادلانه خواند و از همان ابتدا در صدد تغییر یا لغو آن برآمد.
سوم

«ضعف جامعه ملل»

۳-۱: هدف از تاسیس جامعه ملل ایجاد صلح و جلوگیری از دشمنی و جنگ بود اما این سازمان از بدو تاسیس فاقد قدرت کافی برای تحقق اهداف جامعه ملل بود. زیرا تصمیماتش ضمانت اجرایی نداشت.
۳-۲: جامعه ملل در داخل خود مشکلاتی داشت.

الف: آمریکا که خود پیشنهاد تاسیس چنین سازمانی را داده بود (ویلسون رئیس جمهور وقت آمریکا) به عضویت آن در نیامد.

ب: دولت شوروی که خود مشکلات داخلی داشت به عضویت این نهاد جهانی در نیامد. برخی کشورها مانند آلمان و ژاپن با خروج از این سازمان موجبات بی اعتباری بیشتر جامعه ملل گردید.

ج: جام ملل از تهاجم برخی از دولت ها به کشورهای دیگر (مثل حمله ایتالیا به اتیوپی یا حبشه) نتوانست اقدامی انجام دهد لذا با شروع جنگ جهانی دوم جامعه ملل یا مجمع اتفاق ملل فروپاشید.

چهارم:

«بحران اقتصادی»

۴-۱: نخستین اقدام دولت های پیروز و شکست خورده در جنگ بازسازی ویرانی های پس از جنگ جهانی اول بود و این در صورتی بود که بسیاری از دولت های بعد از جنگ به خصوص اروپایی ها دچار رکود و تورم و کم شدن ارزش پولی آنان بود.

۴-۲: آلمان در نخستین سال های پس از جنگ شرایط اقتصادی وخیمی داشت. آلمان تنها مستعمرات خود را از دست داده بود بلکه محکوم به پرداخت غرامت سنگینی نیز شده بود.

۴-۳: در این مورد انگلستان مشکلات کمتری داشت زیرا با اتکا به منابع خود و ثروت مستعمراتش تا حدودی توانسته مشکلات خود را حل کند.

۴-۴: آمریکا که اقتصادش کمتر آسیب دیده بود ناگهان دچار بحران و رکود اقتصادی شد که در پی آن اقتصاد جهانی را نیز فرو ریخت.

نکته: همین مشکلات و مسائلی دیگر موجبات روی کار آمدن دولت های دیکتاتوری در اروپا گردید.

پنجم:

«ظهور حکومت های خودکامه تک حزبی و نظامی»

«شوروی استالینی»

پس از مرگ لنین ژوزف استالین به دبیر کلی حزب کمونیست شوروی رسید.

۵-۱: نخستین اقدام استالین کنار گذاشتن و معدوم کردن رقیبان و مخالفانش بود. از جمله «تروتسکی» بنیانگذار ارتش سرخ و وزیر خارجه انقلابی شوروی سپس عده ای از بلشویک های قدیمی-اندیشمندان

افسران ارتش و اعضای برجسته حزب کمونیست و... را نیز یا به مرگ محکوم کرد و یا به اردوگاه های کار اجباری به سیبری تبعید کرد.

۲-۵: یکی دیگر از کارهایش طرح اشتراکی کردن مزارع کشاورزی که با قدرت و خشونت تمام آغاز و به انجام رسانید.

۳-۵: او برنامه ای را با هدف صنعتی کردن سریع کشور به اجرا در آورد که بر اساس تولید کالای سرمایه ای و به خصوص سلاح های جنگی بود. این برنامه هم با اعمال خشونت و قدرت انجام گرفت.

۴-۵: در زمینه سیاست خارجی به دنبال گسترش مرزها، تسلط بر سرزمین های شرقی اروپا بود. استالین با دولت آلمان هیتلری پیمان عدم تجاوز است (۱۹۳۹)

ششم:

«به قدرت رسیدن فاشیست ها در ایتالیا»

کشور ایتالیا نیز پس از جنگ جهانی اول دچار تورم بیکاری و ناآرامی های کارگری روبرو بود.

۱-۶: حکومت پادشاهی ایتالیا عاجز از حل و فصل مشکلات بود لذا روزنامه نگار و سیاستمداری به نام «بنیتو موسولینی» رهبری حزب فاشیست را داشت از فرصت به دست آمده قدرت را در دست گرفت.

۲-۶: او با ایجاد فضای آکنده از زور و اعراب و تقلب در انتخابات پیروز شد و پس از مدت کوتاهی با از بین بردن احزاب رقیب قدرت را یکپارچه کرد و خود را «دوچه» یا رهبر نامید.

۳-۶: موسولینی تا حدودی به وعده های خویش درباره کاهش بیکاری تورم و اعتصابات کارگری و ناآرامی ها عمل کرد. و به محبوبیت خود تا قبل از درگیری های جنگ دوم جهانی افزود.

هفتم:

«ظهور هیتلر در آلمان»

پس از خاتمه جنگ جهانی اول حکومت جمهوری در آلمان شکل گرفت (جمهوری وایمار)

۱-۷: مردم آلمان حکومت جمهوری را به سبب امضاء معاهده ورسای که برای آنها تحقیر آمیز بود و نیز گسترش رکود و بیکاری ناخشنود بودند. در چنین شرایطی هیتلر رهبر حزب نازی با تحریک احساسات مردم

و راههای برون رفت از مشکلات توضیح می‌داد و با تاکید بر لغو معاهده ورسای و تجدید اقتدار ملی و بنیاد حکومتی مقتدر را وعده می‌داد.

۷-۲: هیتلر با حمایت صاحبان صنایع و اشراف زمیندار و افسران ارتش در انتخابات پیروز به صدراعظمی رسید او نظام دیکتاتوری و تک حزبی را برقرار کرد و خود را «بیشوا» خواند. در زمان او تمامی احزاب سیاسی به جز حزب نازی منحل شد. او مسئولیت امنیت داخلی را برعهده سازمانی پلیسی مخفی و مخوفی به نام «گشتاپو» سپرد.

۷-۳: او قرارداد ورسای را ملغی اعلان کرد و برای متحول کردن اقتصاد آلمان دست به کار شد و در این راستا با ساختن شبکه راه ها و راه آهن و راه اندازی کارخانه های بزرگ به خصوص صنایع تسلیحاتی را به اجرا گذاشت و بحران رکود و بیکاری در آلمان پایان داد.

۷-۴: در بعد نظامی تشکیلات نظامی را گسترش داد و ارتش را با سلاح های جدید همراه با فناوری های پیشرفته جنگی مجهز کرد

و در بعد خارجی: با بستن پیمان های دوجانبه و چندجانبه با برخی از کشورها برنامه های توسعه طلبانه مرزی و سرزمینی خود را پیش برد.
هشتم:

«توسعه طلبی نظامی ژاپن»

۸-۱: ژاپن با اقداماتی که در نیمه دوم قرن ۱۹ انجام داده بود در اوایل قرن بیستم به کشور نیرومند تبدیل شده بود و سیاست توسعه طلبی در پیش گرفته بود شکست روسیه در ۱۹۰۵-م از ژاپن جسارت این کشور را در حمله به دیگر کشورها تقویت کرد.

۸-۲: ژاپن با پیروزی متفقین در جنگ جهانی اول به علت دوری از صحنه های جنگ اقتصاد شکوفا ماند. سیاست توسعه طلبانه ژاپن این کشور را به سوی تدارکات نظامی به ویژه دریانوردی و کشتی های جنگی پیش برد.

۳-۸: در فاصله دو جنگ جهانی تمامی سیاست ها و قدرت داخلی و خارجی ژاپن تحت اختیار نظامیان قرار گرفت. ژاپن روابط حسنه ای با همسایگان خود چین و کره نداشت.

نکته: ژاپن در جنگ جهانی اول به متفقین پیوست و با خارج شدن از جامعه ملل به توسعه طلبی خود ادامه داد و در جنگ دوم جهانی همراه با آلمان و ایتالیا دول محور را شکل دادند.

نهم:

«جنگ دوم جهانی ۱۹۳۹-۱۹۴۵»

«شروع جنگ»

۱-۹: حمله برق‌آسای آلمان به لهستان در اول سپتامبر ۱۹۳۹ به اشغال غرب لهستان منجر شد. و بلافاصله شوروی با این که با آلمان قرارداد عدم تجاوز داشت قسمت شرق لهستان را برای حفاظت مرزهای خود اشغال نظامی کرد.

۲-۹: پس از این واقعه دولت‌های انگلیس و فرانسه به آلمان اعلان جنگ کردند. پیشروی های آلمان به تصرف برخی کشورهای اروپائی چون (نروژ-هلند و بلژیک و سپس فرانسه و فتح پاریس) انجامید.

۳-۹: آلمان پس از این فتوحات سریع از انگلستان خاص تسلیم شود اما انگلیسی‌ها با تمام قوا مقاومت کردند. اقدامات چرچیل نخست وزیر با بسیج نیروهای انگلیسی برای مقابله با ارتش آلمان بسیار موثر بود. در حالی که آلمان ها در هوا و دریا و زیر دریا مدام جنوب انگلستان را بمباران می کردند نیروهای آلمانی در شکست دادن انگلستان به بن بست رسیدند.

۴-۹: با این حال نیروهای دول محور بسیاری از کشورهای شبه جزیره بالکان را اشغال نظامی کردند و با حمله به شمال آفریقا سرتاسر جنوب دریای مدیترانه را صحنه کارزار ساختند.

۵-۹: ناتوانی آلمان در شکست انگلستان آنان را متوجه حمله به شوروی کرد و این در حالی بود که با آن کشور پیمان عدم تجاوز داشت. حمله برد آلمانی ها تا نزدیکی های مسکو پیش رفتند. شوروی ها با بهره‌برداری از سرمای زودرس زمستانی و کمک های تدارکاتی که عمداً از ایران ارسال می‌شد توانستند آلمانی ها را متوقف کنند.

دو نکته: عامل مهم زمین گیر شدن آلمانی ها در شوروی تدارکات تسلیحاتی بود که از خاک ایران به آنان می رسید و این در حالی بود که آلمانیها قصد تصرف قفقاز و رساندن خود به مرزهای ایران را داشتند با شکست مواجه کرد.

نکته مهم تر این که ناکامی های آلمانی ها در شوروی مقدمات شکست های پیاپی آن کشور را فراهم کرد.

دهم:

«ورود آمریکا به جنگ»

۱-۱۰: در حالی که نیروهای آلمانی و ایتالیایی سرگرم در اروپا و شمال آفریقا بودند، ژاپنی ها جسورانه به ناوگان ایالات متحده در «پرل هاربر» در مجمع الجزایر هاوایی ضربه سختی وارد آوردند.

۲-۱۰: ضربه به نیروی دریایی آمریکا آن کشور را به نفع متفقین وارد جنگ کرد ورود آمریکا به جنگ صحنه های نبرد را به نفع متفقین تغییر داد. در اقیانوس آرام و جنوب شرقی آسیا نیروهای آمریکایی در چندین نبرد با ضربات مهلکی که بر ژاپنی ها وارد آوردند آن کشور را شکست دادند.

۳-۱۰: شکست ژاپن ای ها و به زانو در آمدن ایتالیا و شکست های آلمان در شوروی و پیاده شدن نیروهای متفقین در فرانسه این کشور را آزاد ساختند و نیز ورود نیروهای متفقین به خاک آلمان آخرین مقاومت های آنان را در هم شکست و با تصرف برلین از طرف شرق توسط شوروی ها و در غرب توسط نیروهای متفقین جنگ در اروپا به اتمام رسید.

یازدهم:

«پایان جنگ»

۱۱: با شکست آلمان نازی و تسلیم آنان جنگ در ژاپن تداوم داشت در ادامه جنگ نیروی هوایی آمریکا دو شهر ژاپنی هیروشیما و ناکازاکی را با بمب های اتمی ویران کردند و با درهم شکستن آخرین مقاومت های ژاپنی ها در جنگ جهانی دوم به پایان رسید.

دوازدهم:

«آثار و نتایج جنگ»

۱-۱۲: جنگ های جهانی دوم مهلك ترین و مخرب ترین رویداد تاریخ بشر است که طی آن ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر بر اثر این جنگ کشته شدند.

۲-۱۲: گرسنگی - بیماری های مسری - اختلال روحی و روانی از دیگر مصیبت های ناشی از این جنگ بود.

سیزدهم:

«ایران در جنگ»

۱-۱۳: ایران در جنگ دوم جهانی نیز اعلان بی طرفی کرد. در دوران رضاشاه ارتباطات فنی و صنعتی گسترده ای با آلمان برقرار بود - کارشناسان و تکنسین های آلمانی در ایران مشغول به کار بودند.

۲-۱۳: فشارهای انگلستان برای جلوگیری ایران از تجارت با آلمان در دوره رضاشاه به نتیجه ای نرسید و تجارت ایران از طریق روسیه هم با آلمان مشکلاتی داشت چون روسیه هم پیمان انگلیس بر ضد آلمان بود.

۳-۱۳: از یک سو هجوم ارتش نازی به خاک شوروی منابع نفتی باکو او را به خطر می انداخت و منابع نفتی جنوب ایران نیز برای انگلیسی ها حیاتی بود و از سوی دیگر خاک ایران مناسب ترین مسیر برای رساندن کمک های تسلیحاتی متفقین به شوروی بود.

۴-۱۳: در حالی که ارتش آلمان در منطقه قفقاز به سوی مرزهای ایران پیشروی می کرد شوروی و انگلیس برای جلوگیری از دسترسی آلمانی ها به منابع نفتی باکو و جنوب ایران طی بیانیه ای از دولت ایران خواستند که آلمانی های مقیم ایران را اخراج کند.

۵-۱۳: چون رضا شاه به درخواست آنان توجهی نکرد، لذا نیرو های نظامی روسیه و انگلیس در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ از شمال و جنوب با یورش نظامی ایران را اشغال کردند. ارتش ایران مقاومتی نکرد و تسلیم شد.

نکته: پس از اشغال ایران توسط متفقین رضا شاه به نفع فرزندش محمد رضا وادار به کناره گیری از سلطنت شد و به جزیره موریس در جنوب غربی اقیانوس هند تبعید شد.

چهاردهم:

«جهان پس از جنگ جهانی دوم»

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم تصمیماتی طبق توافق قبلی متفقین اتخاذ شد.

۱-۱۴: دولت شوروی تسلط سیاسی و نظامی خود را در اروپای شرقی اعمال کرد. آمریکا و انگلیس و بقیه دولت های متفقین نیمه غربی آلمان را تحت سلطه خویش درآوردند و آلمان عملاً به دو نیمه و بعد به دو دولت تقسیم شد.

۲-۱۴: سران متفقین بر طبق منشوری که قبل از جنگ انتشار داده بودند به تأسیس «سازمان ملل متحد» اقدام کردند. سران متفقین به همراه نمایندگان ۵۰ کشور در شهر سانفرانسیسکو به تأسیس آن سازمان رای دادند. هدف از تأسیس سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلاح بین المللی و همکاری میان کشورها عنوان شده بود.

پانزدهم:

«بازسازی و رونق اقتصادی اروپا»

۱۵: کشورهای اروپایی بلافاصله و بی درنگ به برنامه های هوشمندانه پرداختند با دریافت کمک از ایالات متحده آمریکا بازسازی را آغاز و به سرعت به روند اقتصادی و اجتماعی دست یافتند.

شانزدهم:

«فلسطین»

«شکل گیری دولت غاصب اسرائیل در سرزمین فلسطین»

۱-۱۶: در اواخر قرن نوزدهم از سال ۱۸۸۰م دسته های کوچکی از یهودیان به سرزمین فلسطین مهاجرت کردند. در سال ۱۹۱۷م «بالفور» وزیر خارجه وقت انگلیس طی اعلامیه معروف بالفور به ایجاد سرزمین یهودی در فلسطین نظر مساعد خود را ابراز کرد.

۲-۱۶: در سال های پس از جنگ جهانی اول در دورانی که فلسطین تحت قیومیت انگلستان قرار داشت یهودیان بیشتری به سرزمین فلسطین مهاجرت کردند.

۳-۱۶: پس از جنگ دوم جهانی وقتی که سازمان ملل متحد پیشنهاد تقسیم سرزمین فلسطین را به دو کشور عربی و یهود را تصویب کرد.

دولت اشغالگر صهیونیستی اسرائیل شکل گرفت (۱۹۴۸م)

۴-۱۶: با تشکیل دولت غاصب اسرائیل مردم فلسطین مبارزه برای آزادسازی کشورشان را آغاز کردند و کشورهایی چون مصر سوریه و اردن با اسرائیل که تحت حمایت کامل کشورهای غربی بود جنگیدند و شکست خوردند. (پاورقی صفحه ۱۳۴ را بخوانید)

پس از آن شکست ها برخی کشورهای عربی به سازش با اسرائیل تن دادند.

۵-۱۶: انور سادات نخستین رئیس یک کشور مسلمان بود که با وساطت آمریکا با اسرائیل پیمان صلح برقرار کرد. سپس یاسر عرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین نیز به روند سازش پیوست. اما قیام فلسطینی ها به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با قدرت ادامه دارد.